

# توسعه پایدار بر محور عدالت

سعید فراهانی فرد<sup>۱</sup>

اقتصاد اسلام

توسعه پایدار بر محور عدالت

## چکیده

پیامدهای منفی صنعتی شدن و توسعه یافتگی که نتیجه تبلیغ و ترویج مصرف گرایی و تکاثر طلبی در دامان نظریه های سکولار بوده است، استمرار رشد و توسعه را به خطر انداخته و بخش های قابل توجهی از مردم را از آثار مثبت آن یعنی رفاه و برخورداری از مواهب الهی محروم کرده است.

در این مقاله با تبیین عدالت به معنای گسترده آن ادعا شده که خلقت جهان بر اساس عدالت بوده و روابط عناصر سه گانه انسان، طبیعت و جامعه انسانی با خداوند و با یکدیگر بر محور عدالت ترسیم شده است و انسان های تربیت یافته در دامان مکتب اسلام نیز با توجه به این روابط به خوبی می توانند توسعه و رفاه مورد نظر خداوند متعال را استمرار بخشند.

مقاله در بخش دیگر، ضمن برشمردن سازوکارهای ضمانت اجرای عدالت در استفاده از منابع خدادادی، ادعا می کند که در نظام اسلامی، دولتی مقتدر که منابع طبیعی در مالکیت یا تحت سرپرستی او است و با در اختیار داشتن اهرم های قانونی از جانب شرع برای کنترل و نظارت بر چگونگی بهره برداری از این منابع، به خوبی می تواند توسعه پایدار بر محور عدالت را تحقق بخشد.

**واژگان کلیدی:** توسعه پایدار، عدالت تکوینی، عدالت تشریحی، منابع طبیعی، منابع

زیست محیطی، ثبات، انعطاف پذیری.

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.

قدمت رشد و توسعه به اندازه دانش اقتصاد است. اقتصاددانان بزرگ کلاسیک در سده‌های هجدهم و نوزدهم، همه اقتصاددانان توسعه بوده‌اند و در چگونگی پیشرفت ملت‌ها سخن گفته‌اند. پیشرفت و رفاه مادی انسان‌ها و ملت‌ها به‌گونه‌ای سنتی در پژوهش‌های اقتصادی جای داشته، و از زمینه‌های مهم مطالعات اقتصاددانان متقدم به‌شمار رفته است. ریکاردو، مالتوس، استوارت میل و کارل مارکس همگی تا اندازه‌ای با نتایج و پیشرفت اقتصادی سروکار داشته‌اند؛ با وجود این، توسعه به معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه‌ریزی شده از اوایل قرن بیستم، ابتدا در کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز و به‌دنبال آن و پس از پایان جنگ جهانی دوم مورد توجه اغلب کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین قرار گرفت.

قابل توجه است که تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه مطرح بود و در کشورهای اروپایی به‌طور عمده به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع آن کشورها بود.

از اوایل دهه ۱۹۷۰، در رویکردهای علمی به توسعه، تجدیدنظر اساسی پدید آمد و توسعه اقتصادی، فراگردی در نظر گرفته شد که تغییرات در عوامل غیرکمی مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ را هم در برمی‌گیرد. بهبود آموزش و بهداشت، و توجه به سرمایه انسانی کنار سرمایه فیزیکی حاصل این تحولات بود.

به‌رغم این‌که از ابتدای طرح توسعه به معنای عام آن، منابع طبیعی نقش اساسی در شکل‌گیری آن داشت، تا دهه‌های اخیر از توجه جدی به آن غفلت شده بود. رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت فن‌آوری بود، پیامدهایی در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که به تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به‌طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به‌طور عام شد. از بین‌رفتن گونه‌های حیاتی و حیوانی و ایجاد اختلال در چرخه زیست‌محیطی، آلودگی هوا و گرم‌شدن زمین در اثر آسیب لایه ازن، از بین‌رفتن منابع پایان‌پذیر و در معرض خطر قرارگرفتن منابع تجدیدپذیر، بخشی از نگرانی به‌وجود آمده بود. این نگرانی از این جهت بود که اولاً رشدی که با چنین سرعتی جهت‌گیری شده است، پایدار نمی‌تواند باشد ضمن این‌که چنین رشدی نمی‌تواند هدف رفاه و آسایشی را

که برای رسیدن به آن طراحی شده بود، فراهم کند. از طرف دیگر، افزایش شکاف طبقاتی به‌رغم پیشرفت‌هایی جدی که در عرصه اقتصاد به‌وجود آمده بود نیز نگرانی عدالت‌دوستان را برانگیخته بود. شکاف طبقاتی در سه محور پدید آمده است: ۱. بین طبقات گوناگون کشور؛ ۲. بین کشورهای گوناگون نسل؛ ۳. بین نسل‌های گوناگون.

بی‌عدالتی موجود پیامد این حقیقت بود که اقتصاددانان، در بررسی مسأله اقتصادی توجهی به مسأله عدالت به‌طور کلی و عدالت بین نسلی به‌صورت خاص نداشتند و برای آنان فقط رسیدن به رشد مهم بود که آن را با شاخص‌هایی به‌طور کامل فیزیکی از جمله تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه می‌سنجیدند بدون توجه به این‌که توزیع این تولید یا درآمد بین طبقات یا دهک‌های گوناگون درآمدی چگونه بوده است. این گفته لوئیس (۱۹۵۵) که «ابتدا باید اشاره کرد که مسأله ما رشد است نه توزیع» تأکید بر این ادعا است (زاکس، ۱۳۷۷: ص ۲۲).

این نگرانی‌ها باعث شد توسعه پایدار به‌صورت یکی دیگر از ابعاد قابل توجه در روند تحولات توسعه مورد توجه قرار گیرد. در این مرحله، ضمن تأکید بر اصل کارایی به‌صورت اصل تحقق توسعه، در جهت پایداری آن بر دو نکته اساسی توجه شده است.

نخستین نکته مورد توجه در ادعای طرفداران توسعه پایدار، احترام به محیط زیست در جایگاه جزء جدانشدنی از توسعه اقتصادی است. برخورداری عموم مردم از مواهب و منافع توسعه و توجه به منافع نسل‌های آینده به‌ویژه در بهره‌برداری از منابع طبیعی دومین نکته قابل توجه در بحث توسعه پایدار است.

دو ویژگی عدالت و محیط زیست، به‌صورت قابل توجهی با یک‌دیگر ارتباط یافته‌اند. توراس و بویس (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که در سطح جهان، کشورهای با توزیع درآمد برابرتر، به کیفیت بالاتری از محیط زیست تمایل دارند. به‌طور مشابه در یک بررسی از ۵۰ ایالت آمریکا، بویس و دیگران (۱۹۹۹) یافتند که در دولت‌های با نابرابری در توزیع قدرت بیشتر، سیاست‌های زیست‌محیطی با دقت کمتر، و در نتیجه فشار زیست‌محیطی بیشتری وجود دارد. همچنین در یک مطالعه در سطح محلی به‌وسیله مورلو- فراش (Morello - Frosch, 1997) از نواحی در ایالت کالیفرنیا، نشان داده شد نواحی که در سطح بالاتری از تبعیض در وضعیت

درآمد، طبقه و نژاد هستند، سطح بالاتری از خطر آلودگی هوا را دارند. افزون بر این، میدلتون و کیف (۲۰۰۱) بر برتری عدالت بر محیط زیست تأکید کرده، و گفته‌اند: تحلیل و زوال توسعه نه با ناپایداری اقتصادی زیست‌محیطی، بلکه با بی‌عدالتی اجتماعی آغاز می‌شود. این تأکید بر انصاف بیشتر به صورت هدف اجتماعی عادلانه و مطلوب با این تصدیق ارتباط دارد که اگر جامعه برای سطح بیشتری از برابری اجتماعی و اقتصادی، بکوشد، اهداف بلندمدت جهان پایدارتر، احتمالاً محقق خواهد شد (Agyeman, 2003).

ما معتقدیم: نظام اقتصادی اسلام هماهنگ با نظام تکوین، به‌گونه‌ای ترسیم شده که دغدغه و نگرانی بشر درباره پایداری توسعه را که از تخریب محیط زیست از یک طرف و محرومیت بخش‌های قابل توجهی از صاحبان اصلی منابع (نسل‌های موجود و نسل‌های آتی) از سوی دیگر ناشی است برطرف، و رفاه عمومی را که برخوردار می‌شود را نیز در برمی‌گیرد تأمین می‌کند. در این نظام، روابط انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی براساس عدل و عاری از هرگونه افراط و تفریطی شکل می‌گیرد و به‌منظور ایجاد ضمانت جهت تحقق سالم این روابط، سازوکارهای چون «قاعده لاضرر» و «قاعده اتلاف» و نیز اصل حاکمیت دولت پیش‌بینی شده است.

عدالت مورد توجه در این مقاله، معنایی گسترده دارد و در عدالت در توزیع و یا عدالت در قوانین منحصر نمی‌شود؛ عدالت تکوینی، به معنای متعادل‌بودن جهان خلقت، و برخوردار می‌شود همه مخلوقات از ظرفیت متناسب با خود به‌گونه‌ای که بتوانند در جهت هدف نهایی خود حرکت کنند می‌باشد. در این معنا همه چیز به اندازه آفریده شده و هیچ نقصانی در خلقت اولیه جهان، به‌صورت ظرف رشد و تکامل انسان وجود ندارد و زمینه بالفعل شدن توسعه پایدار محقق است. عدالت تشریحی و عدالت جزایی نیز کنار عدالت تکوینی و مکمل آن، از این هدف حمایت می‌کند.

در این مقاله ابتدا به تبیین توسعه پایدار پرداخته، ضمن بیان ویژگی اساسی آن، آن‌ها را بر محور عدالت تبیین می‌کنیم و سپس براساس آموزه‌های دینی، اصول و قواعد تضمین‌کننده پایداری براساس عدالت را در شریعت اسلام استخراج، و با استفاده از آن‌ها فرضیه مورد توجه خود را اثبات می‌کنیم.

## تعاریف پایداری

مراجعه به ادبیات موجود، ما را با تعاریف بسیاری از توسعه پایدار مواجه می‌سازد. هر یک از این تعاریف، بر جهتی از توسعه پایدار تأکید بیشتری کرده است؛ البته وجود دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه نیز سبب شده است برخی از تعاریف با هم مغایر باشند؛ برای مثال از دیدگاه اقتصاد محوری، اکولوژیست‌های بسیار متعصب با سیاست‌های توسعه که براساس استفاده پایدار از مواهب طبیعی باشد مخالفند. از دید آن‌ها فقط راهبردی که با حداقل توسعه همراه باشد، از لحاظ اخلاقی قابل حمایت است. برخلاف آن‌ها در دیدگاه فن‌محوری، سایر تحلیلگران معتقدند که مفهوم پایداری سهم اندکی در نظریه و خط مشی اقتصاد فعلی ایفا می‌کند. از دیدگاه جهانی، حفظ راهبرد رشد پایدار در درازمدت فقط به صرف هزینه کافی بستگی دارد.

متداول‌ترین تعریف از پایداری، تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷) (WCED) ارائه داده است.

توسعه‌ای که نیازمندی‌های نسل حاضر را بدون لطمه‌زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌کند (WCED, 1987 : p.43).

کمیته توسعه پایدار سازمان ملل نیز تعریف خود را این‌گونه ارائه می‌دهد:

افزایش پایدار در تولید و مصرف کالاها و خدماتی که به نیازهای اولیه مربوط بوده، کیفیت زندگی را ارتقاء می‌دهند. این کار باید همزمان با کاهش بهره‌برداری از منابع طبیعی و مواد سمی و پراکندن زباله‌ها و آلاینده‌ها در چرخه زندگی باشد تا نیازهای نسل‌های آینده را دچار مخاطره نسازد.\*\*

در برخی از تعاریف، بر حقوق نسل‌های بعد به قدری توجه شده که گفته‌اند:

هر نسل باید منابع آب و هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده‌اند حفظ کرده، برای نسل بعد باقی‌گذارند (منبع اسناد یونسکو، به نقل از پرمن، ۱۳۸۲: ص ۱۰۸).

\*World Commission on Environment and Development.

\*\*The International Institute of sustainable development, The Commission on Sustainable Development, The International Work Programme on Changing Consumption and Production Patterns adopted in the Commission's third session 1995. An Internet Reference, <http://iisd.ca/susprod>.

سولو این تعریف را برای پایداری به صورت تعهد جهت حفظ منافع جهانی تعریفی روان ولی غیرممکن می‌داند؛ به همین جهت برخی تعریف پیشین را تعدیل کرده، و پایداری را حفظ فرصت‌ها برای نسل آینده دانسته‌اند (همان).

برخی از تعاریف نیز بر چگونگی استفاده از منابع طبیعی اشاره کرده، و بر حفظ ذخایر آن منابع یا درآمد پایدار آنان تأکید ورزیده‌اند (همان: ص ۱۰۶).

بعضی از اقتصاددانان محیط زیست نیز پایداری را بیشتر از جنبه‌های زیست محیطی نگریسته، و در تعریف پایداری گفته‌اند:

وضعیت پایدار، وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند (همان: ص ۱۱۶).

## تعریف عدالت

گرچه در ادبیات موجود، عدالت بیشتر به معنای عدالت توزیعی و گاهی نیز به معنای برابری فرصت‌ها تعبیر شده، در این مقاله از عدالت، معنای گسترده‌ای اراده شده است. عدالت در وحله اول در حوزه تکوین، محور خلقت جهان را تشکیل داده و عدالت تشریحی و جزایی نیز به صورت مکمل و ضمانت تحقق و بقای این مجموعه متعادل پیش‌بینی شده است. این معنا مستفاد از آیات قرآن و روایات و گفتار بزرگان است.

آیت‌الله مصباح در تعریف عدل می‌نویسد:

برای عدل می‌توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت: یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام دادن کار حکیمانه که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ص ۱۹۳).

آیت‌الله معرفت نیز با استفاده از فرمایش حضرت علی علیه السلام در معرفی عدالت می‌گوید: مقصود از عدالت اجتماعی، ایجاد توازن در جامعه است. منظور از توازن هم همان تناسب است. تناسب به معنای این است که هر چیزی در جای خودش و در محدوده مناسب جای بگیرد (معرفت، ۱۳۸۳: ص ۵۵).

## عدالت محور تکوین

در این نگاه، جهان هستی مجموعه‌ای منظم است که خود از زیرنظام‌هایی تشکیل شده که ویژگی مشترک همه آن‌ها و نیز اجزای تشکیل‌دهنده این نظام‌ها را توازن و تناسب

تشکیل می‌دهد. به تعبیر آیت‌الله استادی، در این قسم از عدالت، سخن دربارهٔ وظایف و تکالیف الهی بر بندگان و پاداش روز جزا نیست؛ بلکه محور بحث، نظام آفرینش و این‌که این نظام براساس عدل استوار است (استادی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷).

ارسطو در کتاب سیاست، عدالت را در تناسب دانسته و قرارگرفتن موجودات در جایگاه طبیعی آن‌ها، اساس مفهوم عدالت را نزد وی تشکیل می‌دهد. او در کتاب اخلاق خود از عدالت قانونی کنار عدالت طبیعی یاد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۱۸).

۹۷

افلاطون نیز عدالت را نوعی تناسب و تعادل در امور دانسته است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ص ۶۶). استاد مطهری با استفاده از روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام عدالت را قراردادن هر چیز در جایگاه خود تعریف، و اشاره می‌کند که حتی اگر معنای عدالت توازن باشد، باز از معنای «اعطاء کلّ ذی حق حقه» (رضی، ۱۳۶۸: حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱) بیرون نیست. چرا؟ توازن اجتماع به این است که حقوق همه افراد رعایت بشود، حق اجتماع هم رعایت بشود (مطهری، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰).

آیت‌الله جوادی آملی نیز می‌گوید:

عدل اگرچه مفهوم ارزشی است، در بستر هستی جریان دارد ... عدل، مشترک معنوی، و در همه اقسام آن به یک معنا است؛ گرچه مصادیق متفاوتی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۰). وی عدل در آفرینش را به این می‌داند که خداوند، هرچه را برای سازمان هستی لازم بود، به آن اعطا کرد و آن‌گاه هرچه را برای هدفداری آن ضرورت داشت در اختیارش نهاد:

رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه (۲۰)، ۵۰).

پرورگار ما آن است که هر چیزی را آفرید؛ و آن‌گاه هدایت کرد.

همچنین با استفاده از آیه ۳۳ کهف می‌نویسد:

عدل در ساختار هستی هر چیزی نهاده شده و همه آفرینش و از جمله باغ دارای گوهر عدل است و عدالت در آن‌ها به معنای عمل کردن بر طبق وظیفه‌ای است که در نظام هستی به آنان سپرده شده است. خلقت انسان نیز براساس آنچه خداوند متعال اشاره می‌کند، به‌عنوان عنصری از این مجموعه منظم مطابق با همین گوهر است.

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (انفطار (۸۲)، ۷).

خداوند تو را آفرید راست گردانید و به عدل سامان داد.

ویژگی انسان این است که علاوه بر تکوین، از لحاظ تشریح نیز عهده‌دار این وظیفه است (همان: ص ۲۰۷ - ۲۱۱).

قرآن مجید، آفرینش آسمان‌ها، خورشید و ماه را منظم، ضابطه‌مند و بدون هیچ‌گونه نقص دانسته، می‌فرماید:

هر قدر در پی یافتن نقصان در خلقت بنگری، درماندگی و زبونی بیشتری را تجربه می‌کنی (ملک (۶۷)، ۳ و ۴).

همچنین در تفسیر صافی ذیل تفسیر آیه **وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ** (رحمن (۵۵))، (۷) و با استناد به حدیث نبوی **بالعدل قامت السموات و الارض** (احسانى، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ص ۱۰۳) آمده است:

و وضع الميزان العدل بأن وفر على كل مستعد مستحقه و وفى كل ذى حق حقه حتى انتظم أمر العالم واستقام كما قال **ﷺ** بالعدل قامت السموات و الارض .

یعنی در خلقت جهان رعایت توازن و تعادل شده است، هر چیز به اندازه لازم استفاده و فاصله‌ها اندازه‌گیری شده است، چنانچه در فرمایش پیامبر اکرم **ﷺ** نیز آمده است که آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوار گردید (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۱۰۷).

## عدالت محور تشریح و تقنین

همان‌طور که خداوند متعالی خلقت عالم هستی را براساس عدالت و با نظامی احسن استوار کرده، همچنین قانونگذاری برای هدایت و سعادت انسان طبق همین اصل بوده و مطابق فطرت آدمیان و با در نظر گرفتن توان و ظرفیت آنان صورت گرفته است؛ به همین جهت نیز فرایند مستمر ارسال پیامبران همراه با تکامل نوع بشر، سیر تکاملی داشته است. این مسأله در کلام دانشمندان نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله سیسرون از دانشمندان رومی، عدالت را عمل کردن مطابق قوانین طبیعی می‌داند. او می‌گوید:

عدالت عبارت از قانون طبیعی است و این قانون همه جا تغییرناپذیر، ابدی و برای همه دولت‌ها الزام‌آور است. همه قوانین برای عادلانه بودن نیازمند هماهنگی با قانون طبیعی هستند که به وسیله خداوند مقرر شده است. همچنین سنکا رواقی متأخر رومی نیز موضوع عدالت را با تکیه بر دو مسأله اساسی یعنی توجه به طبیعت و قانون طبیعی، و ضرورت خیرخواهی برای دیگران قابل بررسی می‌داند: طبیعت به من امر می‌کند که برای آدمیان مفید باشم؛ خواه برده باشم یا آزاد. هر جا



انسانی است برای خیرخواهی است. این نگرش از عدالت و مبتنی بودن بر حقوق طبیعی در سرتاسر قرون وسطا حاکم بر اندیشه مسیحیت بود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ص ۶۶).

توجه دقیق در عرصه قانونگذاری نشان می‌دهد که بین خود قوانین در ابعاد گوناگون نیز عدالت به معنای عام آن وجود دارد. به عبارت دیگر مجموعه قوانین تشریحی برای انسان همانند نظام تکوین، تشکیل‌دهنده نظامی جامع و فراگیر است که خود از زیرمجموعه‌های منظمی در عرصه‌های فرعی تشکیل می‌شود. از جمله این عرصه‌ها، عرصه اقتصادی است که نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهد. این نظام، خود در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف به صورتی متوازن، روابط اقتصادی انسان‌ها را شکل می‌دهد تا هدف مطلوب تأمین شود.

ادعای ما این است به لحاظ این که قانونگذاری مطابق فطرت انسان‌ها و با چنین نظامی صورت گرفته، در صورتی که انسان‌ها طبق این قوانین عمل کنند، توسعه پایدار تحقق می‌یابد؛ یعنی از منابع به صورت بهینه استفاده می‌شود. بهترین و کارآمدترین خط تولید و فن‌آوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. امکان وارد شدن در عرصه تولید ثروت و استفاده از منابع خدادادی برای همه فراهم است و از این جهت هیچ کس مورد ظلم و تعدی قرار نمی‌گیرد. در فرایند تولید هر کس به اندازه تلاشی که در این فرایند داشته، از منافع آن بهره‌مند می‌شود. در عرصه مصرف؛ اسراف، اتراف و زیاده‌روی در کار نخواهد بود. حقوق گونه‌های حیاتی اعم از جانوری و گیاهی مورد احترام است و مصالح نسل‌های بعد نیز همواره مورد توجه انسان‌های فعلی خواهد بود. در چنین وضعیتی چگونه ممکن است محیط زیست تخریب شود یا پایداری توسعه مورد سؤال قرار گیرد.

### عدالت جزایی ضامن تحقق توسعه پایدار

از آن‌جا که شریعت به‌طور عام و دین اسلام به‌طور خاص ضمن جهت‌گیری به سمت مطلوب‌ها، واقعیات را نیز در نظر دارد و با توجه به این که همیشه افرادی برخلاف جهت فطرت اولیه خود حرکت می‌کنند، مجازات‌ها و پاداش‌هایی به منظور ضمانت اجرایی قوانین در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها که برخی در این دنیا و برخی نیز برای عالم آخرت پیش‌بینی شده، به خوبی می‌تواند جلو انحراف‌های احتمالی از تعادل در همه ابعاد و در عرصه اقتصاد را که حاصل آن تحقق توسعه پایدار است بگیرد. حرمت ظلم به دیگران

و از بین بردن حقوق انسان‌ها و حتی دیگر گونه‌ها، ممنوعیت اسراف و اتلاف و اتلاف و تأکید و سفارش فراوان به مستحباتی در حوزه‌های گوناگون، انگیزه‌های خوبی را برای ایجاد توسعه پایدار فراهم می‌سازد. در این دنیا نیز سازوکارهای پاداش و جزا در نظر گرفته شده که مکمل مطالب پیش‌گفته خواهد بود. بدیهی است که وجود دولتی قدرتمند در نظام اقتصادی اسلام، رکن اساسی این ضمانت خواهد بود.

اکنون با بیان ویژگی‌های توسعه پایدار، به تبیین آن‌ها براساس اصل عدالت می‌پردازیم.

## ویژگی‌های توسعه پایدار

با توجه به تعاریف مطرح‌شده و همچنین تجربه اجرایی برخی کشورها، بر نکات قابل توجه برای رسیدن به پایداری تأکید می‌کنیم:

### ۱. توسعه‌یافتگی

نخستین ویژگی و به تعبیری لازمه توسعه پایدار، تحقق خود توسعه است تا از پایداری آن سخن رود. توسعه، جریان چند بُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام، از حالت نامطلوب به زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق یابد (تودارو، ۱۳۷۸: ص ۲۳). در این تعریف، توسعه در نظام اجتماعی دیده شده و هدف آن سوق دادن افراد درون این مجموعه به سمت تعادل (وضعیت مطلوب) است. این هدف زمانی محقق می‌شود که منابع انسانی، فیزیکی و طبیعی در دسترس به‌صورت کارآمد و در جهت رسیدن به این هدف تخصیص داده شوند.

استفاده کارآمد از منابع طبیعی به معنای این است که هیچ‌گونه افراط و تفریطی در استفاده از آنان صورت نگیرد. رفتارهای بهره‌وران براساس عدل باشد و هیچ‌گونه انحصار و تکاثری در استفاده از آنان صورت نگیرد. مدیریت بر منابع که نوعی از سرمایه انسانی است، کارآمد بوده، و براساس اصل شایسته‌سالاری، مدیران توانا در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند و افراد ناتوان و ناکارآمد بر پست‌های مدیریتی تکیه نزنند در

این صورت، با توجه به وافی بودن منابع طبیعی و این که خداوند متعال تمام آنچه را برای رفاه بشر لازم بوده آفریده است، به یقین، توسعه محقق خواهد شد.

عدالت به معنای عام آن به روشنی در تفسیری که از توسعه ارائه کردیم، خود را نشان می‌دهد. بدیهی است که توسعه در این معنا با مصرف‌گرایی و نیز رشد کمی در تولید ناخالص ملی ولو به قیمت ایجاد شکاف فراوان بین طبقات درآمدی و نیز از بین رفتن حقوق نسل‌های آتی سازگار نیست. توسعه‌یافتگی در این تفسیر، مقدمه‌ای برای رفاه عمومی است و رفاه مورد نظر مکاتب الاهی نیز در برگیرنده ابعاد معنوی نیز خواهد بود و انسان در بستر توسعه، نه گرفتار دستاورد رشد خودساخته خود شده و دچار بحران معنویت و به دنبال آن بحران هویت و نه گرفتار زهد خشک و روح صوفیانه، بلکه با برخوردار از مواهب دنیا در کنار آینده روشن آخرتی، در مسیر عدالت، طی طریق می‌کند.

## ۲. سلامت محیط زیست

گام دوم، فراهم ساختن محیط زیستی سالم و جلوگیری از تخریب آن است؛ زیرا حتی در صورتی که بتوانیم رشد اقتصادی را نیز محقق سازیم، بدون داشتن چنین محیطی، اسباب آسایش انسان فراهم نخواهد شد؛ بنابراین، یکی دیگر از ویژگی‌های توسعه پایدار، توجه اکید به مسائل زیست‌محیطی و رعایت شاخص‌های آن است. این ویژگی در ادبیات توسعه پایدار به اندازه‌ای اهمیت دارد که کنار عدالت بین نسلی در بسیاری از منابع، توسعه پایدار را نیز تعریف کرده است.

این مسأله در ادبیات دینی نیز فراوان به چشم می‌خورد. این آموزه‌ها در استفاده درست از منابع زیست محیطی تأکید دارند و از هرگونه تخریب محیط زیست به شدت منع می‌کنند. قرآن کریم با عنایت خاصی به عناصر زیست محیطی توجه کرده، و گاهی به آن‌ها سوگند خورده است. در این قسمت، به نمونه‌هایی از توجه قرآن به این مسأله اشاره می‌کنیم.

۱. خداوند کریم که خود مظهر جمال و زیبایی است، سراسر گیتی را به زیبایی می‌سازد (سجده ۳۲)، و در خلقت انسان در جایگاه اشرف مخلوقات و زیباترین زیباها (تغابن ۶۴)، به خود تبریک می‌گوید (مؤمنون ۲۳)، (۱۴).

۲. خداوند متعالی هرچه در این عالم هستی وجود دارد، و از جمله پرندگان، حیوانات و کوه‌ها و دریاها و... را دارای شعور و تسبیح‌گوی می‌داند و ستارگان و درختان را نیز

چهره سایان خود معرفی کرده، می‌فرماید: اما آدمیان از درک تسبیح آنان ناتوانند (رحمن (۵۵)، ۶؛ رعد (۱۳)، ۱۳؛ اسراء (۱۷)، ۱۴ و آیه اول از سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن).

این مطلب در روایات فراوانی نیز یادآوری شده است؛ از جمله در تفسیر المیزان در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از این که چارپایان را داغ کنند، و این که مردم به صورت آن‌ها بزنند و فرمود: زیرا چارپایان هم خدا را به حمد تسبیح می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۳، ص ۱۶۶، ذیل آیه ۴۴ اسراء).

۳. خداوند متعالی در قرآن کریم بارها به مظاهر طبیعت سوگند یاد کرده، و بدیهی است که متعلق سوگند اهمیت و اعتبار بالایی نزد خداوند دارد (شمس، ضحی و تین). براساس تبیینی که از عدالت در تکوین صورت گرفت، خلقت اولیه جهان، متناسب و بدون هیچ نقصی است و همه گونه‌های حیاتی (جانوران و گیاهان) در چرخه زیست متناسب و به میزان ضرورت آفریده شده است. هماهنگی در بهره‌برداری گونه‌های مختلف از طبیعت طوری است که آسیبی به تناسب آن وارد نمی‌کند؛ برای مثال، اگر جانوران برای ادامه حیات نیاز ضرور به اکسیژن دارند و گاز کربنیک دفع می‌کنند، همین گاز که برای جانوران و از جمله انسان خطرناک است، برای گونه‌های گیاهی مایه حیات است. وجود لایه ازن، به صورت محافظی برای کره زمین، هماهنگی بین جاذبه و گریز از مرکز و هزاران مسأله دیگر، برگ کوچکی از کتاب بزرگ آفرینش است که بر قدرت، حکمت، علم و عدل الهی، و به تبع همه آن‌ها به تناسب و توازن مجموعه هستی گواهی می‌دهند:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَوتٍ فَاَرْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُتُورٍ (ملک (۶۷)، ۳).

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن خدای بخشایشگر هیچ گونه اختلاف و تفاوتی نمی‌بینی. باز بنگر، آیا خلل و نقصانی می‌بینی؟

همچنین در حقوق اسلام، همه موجودات، گیاهان و عناصر چرخه زیست محیطی دارای حق هستند و انسان در برابر آن‌ها مسؤول است. نتیجه این تأکیدها و رهنمودهای حقوقی و اخلاقی، حفظ تنوع زیست محیطی و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل در آن است (نتیجه

عدالت تشریحی)؛ و بنابراین این ویژگی نیز براساس اصل تعادل قابل تحلیل است. تمام قواعد بازدارنده همانند حرمت اتلاف، اسراف و اصل نظارت دولت به منظور حفظ این تعادل است.

### ۳. انعطاف‌پذیری

در مسیر پایداری، نارسایی‌ها و موانعی از جانب محیط و نیز استفاده‌کنندگان از آن پیش می‌آید. یکی از ویژگی‌های توسعه پایدار، ظرفیت جامعه در واکنش به این‌گونه موانع طبیعی تحمیلی است و به تعبیری دیگر انعطاف‌پذیری یا قابلیت نظام برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بی‌نظمی‌های کوتاه یا بلندمدت است.

به صورت روشن، این ویژگی نیز همانند ویژگی پیشین در جهت استمرار تعادل موجود در عناصر طبیعت بوده و همان‌گونه که در توضیح آن گذشت، انعطاف‌پذیری قابلیت نظام زیست‌محیطی به منظور مقابله با عدم تعادل‌ها یا برگرداندن وضعیت به حالت تعادل است. تأمل در قواعد، احکام الزامی و آموزه‌های اخلاقی، حاکی از توجه خاص به این ویژگی است و اصولاً یکی از رموز جاودانگی شریعت خاتم انعطاف‌پذیری در برابر وضعیت فردی، زمانی و مکانی است؛ البته این مطلب ضمن اعتراف به ثبات شریعت در محورهای اساسی آن است. در ارتباط با موضوع مقاله، کافی است به ساختار مالکیت در اسلام توجه کنیم. مالکیت خصوصی، ضمن محترم‌شمردن، در مواردی که نقض پایداری را در پی داشته باشد؛ محدود شود. مالکیت دولتی منابع طبیعی، به انحصار دولتی نینجامیده، مانع از بهره‌برداری بخش خصوصی نمی‌شود. مباح بودن برخی از منابع نیز با نظارت دولت کنترل می‌شود. همچنین دو نهاد مهم امر به معروف و نهی از منکر درباره حفظ محیط زیست و نیز پایداری توسعه مؤثر خواهد بود و بار سنگین نظارت دولت را کاهش می‌دهد.

### ۴. ثبات

این ویژگی که در خود توسعه پایدار نهفته، به معنای استمرار داشتن ارمغان توسعه در مدت‌زمان طولانی است؛ یعنی جامعه ظرفیت لازم را به منظور استفاده مداوم از فرایند سیستم‌های طبیعی یا تغییر آن، بدون دگرگونی‌های شدید داشته باشد (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱: ص ۳۸۵).

استمرار داشتن فرایند توسعه یا حفظ آن در وضعیت تعادل، نتیجه آموزه‌های فراوانی است که در شریعت مقدس به همین منظور مورد تأکید قرار گرفته است.

## ۵. عدالت

مفهوم عدالت که به صورت ویژگی پنجم توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد، مفهوم خاص عدالت یا عدالت توزیعی است. در عین حال توجه داریم که این معنا نیز در جهت همان عدالت به معنای عام یعنی تناسب کل عالم خلقت و قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب آن است.

در اهمیت عدالت اقتصادی همین بس که حضرت علی علیه السلام فلسفه پذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و منقسم شدن مردم به دو طبقه سیر سیر و گرسنه گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید:

لَوْلَا حُضُورُ الْخَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بوجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِطْفَةِ طَالِمٍ وَ لَأَسْفَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَاهَا. (شهیدی، ۱۳۷۶: ص ۱۱، خ ۳).

اگر گردآمدن مردم نبود، و اگر نبود که با اعلام نصرت مردم، بر من اتمام حجت شد، و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته آن‌جا که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس خورده‌اند، «ترش» کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم. اگر این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش نداشتم.

افزون بر این، امامان علیهم السلام بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

اگر میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۱۲۳).

روایتی دیگر، ضمن تأکید بر این مسأله، یادآوری می‌کند که عدالت از غسل شیرین‌تر است و فقط کسی که عدالت را نیک می‌داند، آن را اجرا می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۵۴۱). این حدیث بدین حقیقت که اجرای عدالت فقط در سایه نظام امامت امکان‌پذیر است، اشاره می‌کند. نکته جالب توجه این است که معصومان علیهم السلام اجرای عدالت را سبب آثار معنوی فراوان نیز برشمرده‌اند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

با اجرای عدالت، برکات خداوند دوچندان می‌شود (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ص ۳۲۰).

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

در اثر اجرای عدالت، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌سازد

(کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۳، ص ۵۶۸).

آنچه در این مقال از بحث عدالت، بیشتر مورد توجه است، عدالت در برخورداری از منابع طبیعی است. دین مبین اسلام، به‌منظور تحقق عدالت، بیشتر منابع طبیعی را در مالکیت یا تحت نظارت دولت قرار داده است. در قرآن کریم، به صراحت فلسفه این کار را جلوگیری از تکاثر ثروت در اختیار طبقه‌ای خاص دانسته و مکافات سخت برای سرپیچی از این هدف، ترسیم کرده است:

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ  
خِي لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ  
شَدِيدَ الْعِقَابِ (حشر (۵۹)، ۷).

آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش کرد، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به‌دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

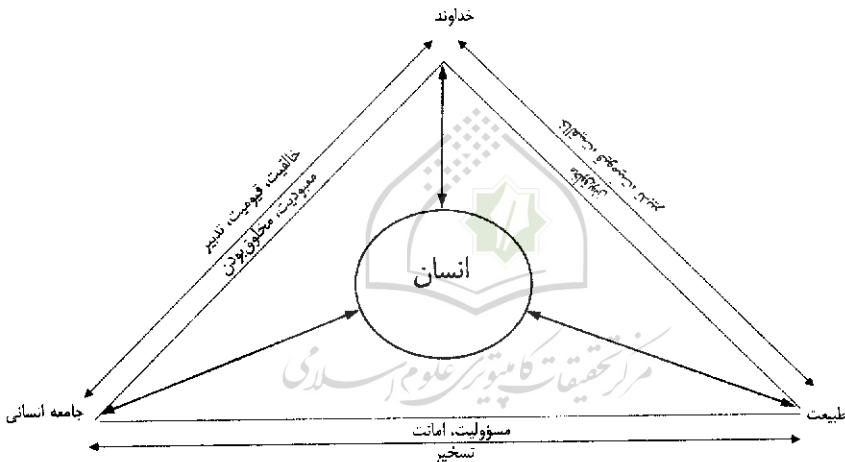
همچنین با تشریح نهادهای احیا و حیا، راه را برای استفاده همگان فراهم ساخته است ضمن این‌که نظارت دولت را جهت کنترل استفاده بخش خصوصی از منابع، برای تضمین تحقق عدالت در این حوزه ضرور دانسته است.

در این تشریح، همچنان‌که به حقوق افراد نسل توجه، و بر برابری فرصت‌ها برای همه تأکید شده است - چنان‌که از آیه پیشین نیز به روشنی پیدا است - حقوق و مصالح نسل‌های آینده نیز مورد توجه قرار گرفته است.

### اصول اعتقادی تضمین‌کننده پایداری در اسلام

جهتگیری اولیه مکاتب الاهی و به‌ویژه شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی او است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخش قابل توجهی از دوران رسالت خود را

به‌ویژه در مکه به این مهم پرداخت. انسان معتقد و تربیت‌شده در دامان مکاتب الاهی، در جایگاه اساسی‌ترین عنصر جهان هستی، رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی را درباره تضییع حقوق ممنوعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه به همراه نخواهد داشت. چارچوب کلی شریعت درباره چگونگی رابطه انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی شکل گرفته است. در این چارچوب، انسان در مرکز مثلثی تصویر می‌شود که در رأس بالای آن خداوند قرار دارد و در دو رأس دیگر جامعه انسانی و طبیعت هستند.



در این مثلث، رابطه خداوند با جامعه انسانی و طبیعت، رابطه خالقیت، قیومیت و تدبیر است. در مقابل رابطه این‌ها با خداوند، رابطه عبودیت و مخلوق بودن است. رابطه جامعه انسانی و طبیعت رابطه تسخیر است؛ یعنی طبیعت مسخر جامعه انسانی است. سوی دیگر این رابطه دوطرفه، مسئولیت و امانت است؛ یعنی جامعه انسانی نیز وظایف و مسئولیت‌هایی در برابر طبیعت دارد. و به آن به‌صورت امانت الاهی می‌نگرد. رابطه انسان در مرکز این مثلث، در جایگاه عضوی از جامعه انسانی، با خداوند و طبیعت، رابطه بندگی و مسئولیت و با سایر افراد جامعه رابطه تعاون، احسان و عدالت خواهد بود.



عدالت به معنای عام آن بر همه این روابط حاکم است. مسؤولیت انسان در برابر طبیعت و نگاه امانت به آن سبب می‌شود مسخر بودن طبیعت برای او، به تخریب آن نینجامد و نارغ از هرگونه افراط و تفریط به بهره‌برداری از آن بپردازد. انسان در مکتب اسلام، نه مانند زیست‌گرایان افراطی است که هرگونه استفاده از طبیعت و گونه‌های جانوری و گیاهی را منع می‌کنند و نه چون اقتصادگرایان که رشد اقتصادی را به قیمت تخریب محیط زیست اجازه می‌دهند. همچنین رابطه انسان با دیگر انسان‌ها اعم از این‌که با آن‌ها در یک نسل و در یک قلمرو زندگی می‌کنند یا این‌که در نسل‌ها و مناطق متفاوت باشند نیز براساس عدالت و نفی ظلم تعریف شده است. براساس این تفکر، انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی با محدودیت‌های فراوانی مواجه است. از طرفی رابطه او با خداوند، عبادت است و انجام فرمان‌هایش محدودیت‌هایی درباره استفاده او از طبیعت مانند حرمت اسراف و اتلاف منابع و عدم تخریب محیط زیست را گوشزد می‌کند و از طرف دیگر، همین رابطه باعث می‌شود رفتار او با هموعان خود براساس تعاون، رحمت و عدالت برقرار شود.

در این قسمت با اشاره به برخی از اصول اعتقادی که از آموزه‌های دینی قابل استنباط است، درصدد بیان این مدعی هستیم: همان‌گونه که اساس اولیه جهان هستی بر عدالت است (عدالت تکوینی)، در صورت تربیت یافتن انسان در دامن مکاتب الهی و تحقق عدالت تشریحی، و در صورت لزوم اجرای عدالت جزایی، توسعه پایدار را ثمر خواهد داد.

### ۱. اصل کنایت منابع طبیعی و عدم کمیابی بالقوه

برخلاف تصور بدبینانه به وضعیت معیشت نسل‌های آینده که برگرفته و متأثر از افکار و عقاید مالتوس و دیگر اقتصاددانان بدبین است، در اعتقادات اسلامی، منابع به اندازه کافی برای حیات بشر و نیز رفاه عمومی افراد جامعه وجود دارد. بدیهی است که تحقق این هدف، دارای ملزوماتی است که از جمله می‌توان به استفاده درست و عادلانه از این منابع اشاره کرد. این مسأله در آیات قرآن مورد تصریح قرار گرفته است؛ به‌طور مثال دو آیه ذیل بر فراوانی نعمت‌های الهی تأکید می‌کند:

وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا (ابراهیم (۱۴)، (۳۴).

وَأَسْتَبْنِعْ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (لقمان (۳۱)، (۲۰).

در برخی از آیات نیز توجه داده شده که این نعمت‌های فراوان، بخشی از نعمت‌های گسترده‌ای است که گنجینه‌های آن نزد خداوند متعالی قرار دارد و در صورت شایستگی مردم و جوامع، خداوند این نعمت‌ها را به آن‌ها ارزانی خواهد داشت:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر (۱۵)، (۲۱)).

روایاتی که درباره زمان حضرت مهدی عج وارد شده نیز مؤید این مطلب است. ابوسعید خدری از پیامبر اکرم ص نقل می‌کند که فرمود:

امت من در زمان مهدی عج به گونه‌ای از نعمت بهره‌مند می‌شوند که هرگز پیش از آن، مشابه آن بهره‌مند نبوده‌اند، آسمان بی‌دری بر آنان می‌بارد و زمین از رویدنی‌هایش هیچ فروگذار نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص ۸۳ ح ۳۷).

## ۲. اصل خلافت انسان در روی زمین

خداوند متعالی، انسان را خلیفه خود در زمین معرفی کرده، و جهان را در تسخیر او قرار داده است:

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (جاثیه (۴۵)، (۱۲)).

خداوند کسی است که دریا را مسخر شما قرار داده است تا در آن کشتیرانی کنید و از فضل او بهره‌گیرید؛ شاید سپاسگزاری کنید.

تسخیر به معنای تسلط مطلق بر طبیعت نیست؛ بلکه نوعی استفاده همراه با هدایت است. هر گاه طبیعت را مسخر انسان بدانیم یعنی بگوییم انسان بر طبیعت مسلط است و هر کاری را بخواهد می‌تواند درباره آن روا دارد، به‌طور ضمنی خرده‌ای را که عده‌ای به آموزه‌های ادیان گرفته‌اند مبنی بر این‌که تخریب محیط زیست ناشی از نگاه سلطه‌آمیز ادیان الهی برای انسان به طبیعت است پذیرفته‌ایم (هات، ۱۳۸۲)؛ اما به معنای دوم این است که طبیعت قابلیت هدایت و در مسیر استفاده بهینه قرار گرفتن را دارد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده‌های طبیعی به اندازه لازم استفاده بکند و به اصطلاح، طبیعت از این لحاظ همانند موم در دست بشر است و در این جهت از خود مقاومتی نشان نمی‌دهد. می‌توان چنین سلطه‌ای را به سلطه پدر بر فرزندش تشبیه کرد که خداوند به‌طور فطری این هدایت‌پذیری و قابلیت تربیت را در انسان قرار داده است و این هرگز به معنای این نیست که پدر یا معلم هر رفتاری را بخواهد می‌تواند با فرزندش بکند.

باران که یکی از نعمت‌های طبیعی خداوند است، هر گاه به حال خود رها شود به تخریب مسیر خود می‌انجامد؛ اما در صورت هدایت آن و در مسیر صحیح قرار دادن، آن ضمن استفاده درست از آن، از تخریب آن نیز جلوگیری می‌شود (بوعلا، ۱۶: ۴۱۶ق: ص ۲۶۲ - ۲۶۷).

به‌طور دقیق بر همین اساس است که هرگونه استفاده مسرفانه از این منابع و نیز تخریب و از بین بردن آن‌ها ممنوع شده است و انسان در جایگاه خلیفه خداوند بر روی زمین مأموریت یافته بخشی از این اموال را در راه خدا انفاق کند و نیز براساس همین تفکر، انسان در صدد بهره‌برداری انحصارگرایانه از طبیعت و تضييع حقوق دیگران بر نمی‌آید؛ بلکه حاضر است بخشی از دسترنج خود را در اختیار انسان‌های دیگر قرار دهد یا به فعالیت‌هایی اقدام کند که نتیجه آن را نسل‌های بعد می‌بینند:

وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلْنَا لَكُمْ مَسْتَخْلِفِينَ فِيهِ (حدید (۵۷)، (۷).

و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید.

### ۳. اصل امانتداری انسان

انسان نعمت‌های الهی را به‌صورت امانت در اختیار گرفته و وکیل خداوند در اموال است؛ بنابراین، نباید تصور کند که مالکیت و تصرف او در اموال مطلق است و می‌تواند بدون محدودیت، هرگونه تصرفی را انجام دهد. این مطلب از آیات قرآن و روایات به خوبی استفاده می‌شود.

وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ (نور (۲۴)، (۳۳).

و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

المال مال الله يضعه عند الرجل ودایع (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۹۳).

همه اموال، در مالکیت (حقیقی) خداوند قرار دارند که به‌صورت امانت در نزد انسان می‌باشد.

انسان تربیت‌شده مکتب اسلام، همواره در صدد رعایت حقوق سایر کسانی است که در استفاده از منابع طبیعی سهم هستند و حتی حقوق جانوران و گیاهان را نیز تضييع نمی‌کند. که همه این‌ها، باعث استفاده کارآمد و پایدار از موهبت‌های خداوند می‌شود ضمن این‌که براساس سنت الهی که پیش‌تر اشاره شد، ایمان و تقوا سبب افزایش برکات خداوند می‌شود؛ بنابراین، رعایت حقوق به‌وسیله مؤمنان، پایداری را از دو مسیر دوچندان خواهد کرد.

## ۴. اصل همگانی بودن ثروت‌های طبیعی

آنچه از آیات فراوانی از قرآن استفاده می‌شود، این است که اصل اولیه در ثروت‌های طبیعی این است که به همه مردم تعلق دارند. در قرآن بارها بر این واقعیت تأکید شده است که خداوند، زمین و معادن و دریاها و کوه‌ها، خورشید و ستارگان را به نفع بشر مسخر کرده است. نزول باران، رویدن گیاهان، باغ‌ها و میوه‌ها ... و سرانجام آنچه روی زمین است را برای انسان و رفاه او آفریده است؛ بنابراین، اختصاص یافتن بخشی از زمین، کوه یا مواد اولیه به افراد دلیل خاص می‌خواهد:

۱۱۰

اقتصاد اسلام

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا بِقَرَّةٍ (۲)، (۲۹).

خداوند آنچه در روی زمین است را برای شما آفرید.

روشن است که واژه «شما» فقط بر گروهی از مردم دلالت نمی‌کند؛ بلکه جمیع مردم را در برمی‌گیرد.

در جای دیگر نیز فرموده است:

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (رحمن (۵۵)، (۱۰).

خداوند زمین را برای مردم آفرید.

علامه طباطبایی رحمته الله در این باره می‌فرماید: **اوم رسدی**

این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به‌شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمیع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۸۳).

همچنین آیه‌ای که فلسفه تشریح مالکیت دولتی برای انفال را بیان می‌کند، بر همین مطلب دلالت دارد (حشر (۵۹)، (۷)).

روایاتی از امامان معصوم علیهم السلام بر این دلالت دارند که آنچه در زمین است، برای استفاده همه مردم قرار داده شده (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، باب ۴۱ از جهاد عدو، ح ۲).

## قواعد عملی تضمین‌کننده پایداری

سیر تشریح احکام و قواعد دین اسلام، بیانگر این است که این دین فقط به مسائل آرمانی نپرداخته و واقعیت‌های موجود جامعه را نیز در نظر دارد؛ به همین جهت به‌رغم

این که در قسمت پیشین گفته شد جامعه متشکل از انسان‌های تربیت شده در مکتب اسلام، جامعه‌ای با ویژگی‌های توسعه پایدار است، همواره حتی در زمان خود پیامبر اسلام ﷺ نیز کسانی بوده‌اند که اعتقاد کامل به دین نداشته و نیز عده‌ای که به صورت ظاهری مسلمان بوده و اعتقاد قلبی نداشته‌اند (منافقان) یا عده‌ای غیرمسلمان که به صورت شهروند با مسلمانان زندگی می‌کرده‌اند، بنابراین، رهنمودهای دین به‌ویژه در مسائل اقتصادی و اجتماعی به‌گونه‌ای تشریح شده است که هیچ‌کس نتواند حقوق دیگران را تضییع کند. در این قسمت، به برخی از این قواعد عملی تضمین‌کننده عدالت بین نسلی و درون نسلی اشاره می‌شود.

## ۱. تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای ثروت‌های طبیعی

خداوند متعالی با تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای منابع طبیعی و موظف کردن دولت بر نظارت مستمر بر استفاده بهینه و عادلانه از آن‌ها راه‌های سوءاستفاده صاحبان قدرت و نفوذ را مسدود کرده و از این که این ثروت‌ها در انحصار گروه‌های خاصی درآید، جلوگیری کرده است، مشاهده می‌کنیم که بخش قابل توجهی از ثروت‌های طبیعی تحت عنوان انتقال در مالکیت دولت قرار دارد و بخش دیگر نیز مانند مباحات عامه - گرچه در مالکیت کسی نیست و عموم مردم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند - جزء بخش عمومی شمرده می‌شود و دولت بر چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها نظارت دارد. هدف خداوند از این که چنین اموالی را در اختیار دولت قرار داده، ایجاد عدالت بین مردم و جلوگیری از این است که این دارایی‌ها در انحصار گروهی از مردم درآید (حشر (۵۹)، ۷).

همان‌طور که پیش‌تر نیز گذشت، این اموال به همه نسل‌ها تعلق دارد و مقصود از مالکیت دولت هم شخصیت حقوقی آن است و به همین دلیل، نسل‌های بعد هم همانند تمام مردم نسل فعلی مورد توجه شریعت بوده و در این هدف شریکتند.

## ۲. تشریح نهادهای احیا و حیا

در نظام اسلامی، گرچه مالکیت منابع به‌طور عمده در اختیار بخش عمومی قرار داده شده، تجربه صدر اسلام نشان می‌دهد که نظام اسلامی در صدد است خود مردم این منابع

را به کار گیرند و اصولاً فعالیت‌های دولت مکمل فعالیت بخش خصوصی و در مواردی است که بخش خصوصی یا تمایل به وارد شدن در فعالیتی را ندارد و یا به جهاتی سپردن آن فعالیت به بخش خصوصی به مصلحت مسلمانان نیست؛ به همین جهت، نهادهای متعددی برای به‌کارگیری بخش خصوصی در بهره‌برداری از منابع طبیعی پیش‌بینی شده است. بدیهی است در همه این موارد، دولت بر چگونگی استفاده بخش خصوصی از این منابع نظارت دارد، و با سیاست‌گذاری، فعالیت‌ها را به سمت منافع ملی جهت می‌دهد و همچنین از هرگونه افراط و تفریط در استفاده از منابع، تضییع حقوق سایر مردم و از جمله نسل‌های بعد جلوگیری می‌کند.

#### ۱. نهاد احیا

منظور از احیا، آبادکردن و آماده بهره‌برداری کردن منبع طبیعی اعم از زمین، معدن یا آب‌های زیرزمینی است. به‌طور طبیعی، نوع و چگونگی احیا در هر منبعی متفاوت، و تشخیص آن نیز به‌نظر عرف مردم است.

مشهور فقیهان معتقدند که احیا، سبب ملکیت برای شخصی است که به فعالیت احیا اقدام کرده است (انصاری، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۶۱؛ علامه، بی تا: ج ۲، ص ۴۰۰)؛ و مبنای آنان نیز به‌طور معمول ظواهر روایاتی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه وارد شده که از جمله می‌توان به روایت «من احیی ارضاً مواتاً فهی له» (حرر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۵، باب اول از کتاب احیاء الموات) استناد کرد.

از طرفی، برخی از فقیهان امامیه مانند شیخ طوسی در نهاییه (طوسی، ۱۴۱۷ق: ص ۴۲۰) و استبصار (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۳، ص ۴۰۸) و بحرالعلوم در بلغه الفقیه، (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۳۴۷) و آیت‌الله اصفهانی در حاشیه بر مکاسب (اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۲۴۳) معتقدند که احیا فقط اولویت در تصرف احیاکننده را به همراه دارد. شهید صدر و تعدادی از شاگردان وی نیز این قول را اختیار کرده‌اند (صدر، ۱۴۱۷ق: ص ۴۴۱). برخی روایات نیز بر سزاوارتر بودن و اولویت احیاکننده دلالت دارند. ضمن این‌که همه فقیهان اتفاق دارند اذن امام علیه السلام در استفاده از این منابع ضرورت دارد، برخی معتقدند که در زمان غیبت، اذن کلی برای شیعیان داده شده است؛ بنابراین، دولت در واگذاری این منابع و

اجازه احیا یا حیازت آنها باید افزون بر این که منافع نسل فعلی را در نظر می‌گیرد، آیندگان را نیز که هنگام تصمیم‌گیری حضور ندارند، باید مورد توجه داشته باشد و با ابزارهای نظارتی خود نیز تعهد به این شرایط را کنترل کند.

### ب. نهاد حیازت

حیازت به معنای جمع‌آوری و در اختیارگرفتن ثروت آماده است. برخی از ثروت‌های طبیعی چون پرندگان، حیوانات صحرایی و دریایی، میوه‌های جنگلی و هیزم بیابان و ... از طریق حیازت به مالکیت بهره‌برداران در می‌آید.

حیازت درباره هر یک از منابع طبیعی شکل خاصی دارد؛ برای مثال، درباره ماهی دریا یا پرندگان و حیوانات وحشی، حیازت به وسیله صید آنها تحقق می‌یابد، اما درباره هیزم بیابان‌ها یا علف در مراتع، جمع‌آوری یا چراندن، از مصادیق حیازت است.

نکته قابل توجه در حیازت این است: در مواردی که به علت کثرت بهره‌برداران، بین آنها تراحم ایجاد شود، دولت می‌تواند دخالت، و برای میزان یا چگونگی استفاده مقرراتی را وضع کند. بدیهی است که یکی از مسؤولیت‌های دولت در این باره، در نظرگرفتن منافع نسل‌های بعدی و حق آنان از این منابع است.

### ۳. قاعده لاضرر

یکی از قواعد فقهی که در فقه کاربرد فراوانی دارد، قاعده لاضرر است. این قاعده که افزون بر پشتیبانی به وسیله کتاب و سنت، حمایت محکم عقل و سیره عاقلان را نیز دارد، یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که از روزگاران قدیم معرکه آرای فقیهان بوده است. مهم‌ترین دلیل این قاعده، روایتی است که عکس‌العمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را درباره عمل زیان‌آور سمره بن جندب نقل می‌کند. سمره در تردد به محل درخت خرماي خود، از خانه فردی از انصار می‌گذشت و اسباب ناراحتی او را فراهم می‌کرد و حاضر نبود به هیچ‌وجه با او کنار بیاید؛ به همین جهت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند درخت او را بکنند و نزد او بیندازند و فرمود: تو فرد ضرر رساننده‌ای هستی و کسی نباید به مؤمن ضرر برساند (حرّ عملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۵، باب ۱۲ از کتاب احیاء الموات، ح ۱ و ۳).

در معنای این قاعده بحث فراوانی بین فقیهان صورت گرفته است (بجنوردی، ۱۳۷۷: ج

۲، ص ۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ج ۱). امام خمینی رحمته الله علیه در تفاوت بین معنای ضرر و ضرار می‌فرماید:

بیشتر استعمالات ضرر درباره ضررهای مالی و جانی است ولی ضرار به معنای تضییق و ایجاد محدودیت است (خمینی، ۱۳۷۸: ص ۲۸).

بحث دیگر نیز درباره استفاده ضمان از مفاد این قاعده است که گرچه برخی از فقیهان چون نائینی رحمته الله علیه اعتقاد به عدم استفاده ضمان از قاعده دارند (نائینی، ۱۳۷۳ق: ج ۲، ص ۲۲۱)، بسیاری از فقیهان چون صاحب ریاض در مواردی برای استفاده ضمان به این قاعده استناد کرده‌اند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۰۱).

براساس این قاعده، هیچ‌کس نمی‌تواند فعالیتی را که به زیان دیگری بینجامد، انجام دهد و در صورتی که هرگونه زیانی از جانب او به دیگری وارد شود ولو این‌که این‌کار او به‌منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران زیان وارده است؛ به همین جهت، هر خانوار یا پنگاهی که با مصرف یا تولید خود باعث آلوده‌سازی محیط پیرامون خود شود، از جهت شرعی ضامن است. همچنین هرگاه استفاده از منابع طبیعی به‌وسیله گروه یا یک نسل به تضییع حق گروه‌های دیگر یا نسل‌های دیگر بینجامد، براساس این قاعده ضمان‌آور است و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان پردازد. در بخش‌های قبلی مشاهده کردیم راه‌هایی نیز از جانب اقتصاددانان به‌منظور جبران خسارت‌هایی که از این ناحیه وارد می‌شود، پیشنهاد شده است که از جمله می‌توان به مالیات پیگویی (۱۹۳۲) یا صندوق امانی ریر و دیگران (۲۰۰۱) اشاره کرد.

#### ۴. قاعده اتلاف

مستند این قاعده، افزون بر اجماع فقیهان و سیره عقلا، آیه شریفه «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ» (بقره (۲)، ۱۹۴). یعنی هر کس بر شما تعدی کند، شما هم به مانند خودش با او رفتار کنید و روایات معصومین رحمته الله علیهم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، باب ۱۱ از ابواب کتاب الشهادت) است.

براساس این قاعده، هرگاه کسی مال دیگری را از بین ببرد یا آن را از مالیت بیندازد، ضامن جبران آن است و در این مسأله شریک‌بودن خود فرد در آن مال تفاوتی ایجاد



نمی‌کند؛ یعنی اگر کسی در دارایی که با دیگران شریک است بدون اجازه آن‌ها تصرف کند، در سهم آن‌ها شریک است و در موضوع مورد بحث ما با توجه به سهم‌بودن همه انسان‌ها در منابع زیست‌محیطی، شخص بهره‌بردار نمی‌تواند زمینه‌های تخریب و صدمه‌زدن به این منابع را ایجاد کند و یا باعث آلودگی محیط زیست شود که خود یکی از منابع عمومی به‌شمار می‌رود. در غیر این صورت، در برابر حقوق دیگران ضامن خواهد بود.

## ۵. اصل منع از اختلال نظام

این قاعده که گاهی با عنوان وجوب حفظ نظام و گاهی هم با عنوان نهی از اختلال نظام از آن یاد می‌شود، مورد اتفاق فقیهان بوده و در موارد متعددی از مباحث فقهی، مورد استناد آنان قرار گرفته است؛ از جمله امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید:

«... ان حفظ النظام من الواجبات الاكيدة و اختلال الامور المسلمین من الامور المبغوضه» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۶۱؛ همچنین ر.ک: بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۹۰؛ موسوی خویی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۷).

کنار این قاعده، اصل دیگری با عنوان مصلحت نظام وجود دارد که کلیه سیاست‌ها و قانونگذاری‌های دولت درباره نحوه استفاده از منابع باید منطبق با این اصل، و در واقع تأمین‌کننده مصلحت نظام و عامه مردم باشد. این اصل که گاهی نیز از آن با عنوان مصلحت عامه یاد می‌شود، به تعبیر برخی بسی فراتر از مقوله حفظ نظام است و برخلاف عناوین ضرر و حرج که در واقع عمل پیشگیرانه و انفعالی را درون خود دارد، با عنوان مصلحت می‌توان در وضعیت حساس و موقعیت‌های ضرور، به‌صورت ابتدایی و ایجابی تصمیم‌گیری کرد (تقوی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۶).

براساس این قاعده، هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه بینجامد، حرام و ممنوع است؛ برای مثال با این‌که بهره‌برداری از مشترکات و مباحثات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده، هرگاه بر اثر ازدیاد جمعیت و کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود و یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه نظام بهره‌برداری از آن مرتع و یا... مختل شود، این آزادی مشروع محدود می‌شود. در اصل ۴۴ قانون اساسی نیز ضمن برشمردن انواع مالکیت به این نکته اشاره شده است.

## ۶. اصل حاکمیت دولت

از مهم‌ترین عوامل توفیق در اجرای خوب سیاست‌ها و قوانین وجود ضمانت اجرایی قوی آن‌ها است. در غیر این صورت، بهترین برنامه‌ها امکان تحقق نمی‌یابند. اصولی که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، زمینه را برای تدوین برنامه و قانون مناسب در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست فراهم می‌کنند؛ با وجود این، اجرای خوب این برنامه‌ها، نیازمند حاکمیت دولتی مقتدر است.

در نظام اسلامی، اولاً مالکیت بخش قابل توجهی از این منابع برای دولت است و بخش دیگری را نیز دولت به نمایندگی از عموم مردم سرپرستی می‌کند. این برخورداری دولت از حق مالکیت یا نظارت بر اکثر منابع طبیعی، این امکان را فراهم می‌آورد تا با برنامه‌ریزی درست، زمینه بهره‌برداری بهینه مدیرانه، و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد. بدیهی است که چنین برخورداری، به معنای تصدی مستقیم دولت نیست؛ بلکه براساس مصالح عمومی و وضعیت زمانی و مکانی، یکی از راه‌های تصدی، مشارکت با بخش خصوصی یا واگذاری به آن را اختیار می‌کند\*

از طرفی با وجود احترام بخش خصوصی و مالکیت و آزادی فعالیت‌های اقتصادی این بخش، و نقش قابل توجه آن در اقتصاد، در صورتی که اعمال مالکیت یا فعالیت‌های اقتصادی این بخش به زیان عمومی و یا اختلال نظام بینجامد، دولت براساس اصل حاکمیت دولت و نیز اصول مصلحت و حفظ نظام می‌تواند و بلکه موظف است آزادی بخش خصوصی را محدود، و راهکارهایی را جهت برقراری اصول پیشین اتخاذ کند. طبیعی است که محدودیت آزادی افراد نیز باید سنجیده و در حد ضرورت باشد. همچنین به منظور تحقق اهداف عدالت در بهره‌برداری از منابع، دولت اسلامی می‌تواند در محدوده شرع، مقررات خاص جعل و براساس اصل منطقه‌الفراغ یا رعایت مصلحت عمومی یا ولایت مطلقه، قوانین حکومتی متغیر تعیین کند (رضایی، ۱۳۸۲: ص ۷۹ و ۸۰).

\* برای اطلاع بیشتر از شیوه‌های بهره‌برداری از این منابع به‌وسیله دولت اسلامی، ر.ک: فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ص ۸۵

## نتیجه‌گیری

در این مقاله بیان کردیم که اساس خلقت جهان هستی براساس تعادل و تناسب است و خداوند متعالی همه آنچه را در آسمان‌ها و زمین است برای آسایش و رفاه انسان آفریده تا از آن‌ها برای تکامل و هدایت خود استفاده کند. همچنین ادیان الهی با استحکام بخشیدن بنیان‌های اعتقادی انسان‌ها و نیز تربیت آنان، زمینه فراهم آمدن رفاه بشری در این دنیا را فراهم ساخته‌اند و در صورت تربیت شدن انسان‌ها در جایگاه عناصر اصلی چرخه زیست‌محیطی، تعادل این مجموعه حفظ می‌شود و پایداری زیست‌محیطی به خطر نمی‌افتد؛ با وجود این، با تبیین قوانین مالکیت و تعیین راه‌های استفاده مردم از منابع طبیعی، و همچنین ترسیم دولتی مقتدر، زمینه هرگونه استفاده ناروایی از این منابع را توسط برخی از افرادی که تربیت درستی از آموزه‌های دینی نیافته‌اند، از بین برده است. همچنین با قراردادن احکام الزامی مانند قاعده اسراف، اتلاف، اختلال نظام و ... اهرم‌های تضمین پایداری را نیز در اختیار دولت قرار داده است.

## پیشنهادها

با توجه به زمینه‌های موجود در رهنمودهای حیات‌بخش دین مبین اسلام و نیز پتانسیل موجود در قانون اساسی و چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه کشور، توجه به نکات ذیل اهمیت دارد:

۱. تبیین حقوق مالکیت منابع طبیعی براساس فقه مبین اسلام و اجرایی کردن راهکارهای ارائه شده از جانب شریعت درباره چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از این منابع؛
۲. در نظر گرفتن اهداف مقدس و متعالی اسلام که در راس آن‌ها ایجاد رفاه عمومی و برقراری عدالت در سطح درون نسلی و بین نسلی است. برای رسیدن به این مقصود، جهتگیری برنامه‌ها همان‌گونه که در سخنان مکرر مقام معظم رهبری آمده است، براساس تحقق عدالت باشد. این مهم به‌ویژه در بخش بهره‌برداری از منابع با تنظیم برنامه‌های توزیع اولیه و توزیع مجدد، اولویت خاصی دارد؛

۳. همان‌گونه که در مقاله اشاره شد، انسان‌های تربیت‌شده در دامان مکتب، با رعایت حقوق دیگران و پرهیز از سواری مجانی و تحمیل هزینه‌های جانبی تولید و مصرف خود

بر دیگران، به خوبی می‌توانند زمینه برقراری توسعه پایدار را ایجاد کنند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دولت اسلامی ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی معنویت و اشاعه فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی بین یکایک افراد جامعه است و کنار بالابردن چنین فرهنگی با ایجاد روحیه اعتماد متقابل و شخصیت‌دادن به شهروندان می‌توان آنان را در امر پایداری توسعه و رعایت حقوق یک‌دیگر و جلوگیری از تخریب محیط زیست سهیم کرد؛

۴. تلاش جدی در اصلاح ساختار اداری که زمینه رفتن به سمت فساد و برخورداری از رانت‌های دولتی، به‌ویژه در بخش منابع را فراهم می‌کند؛

۵. اصلاح نهادهای موجود و ایجاد نهادهای لازم جهت کنترل و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و تضمین منافع نسل‌هایی که در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حضور ندارند.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## منابع و مآخذ

### أ. فارسی

۱. احمدیان، مجید، اقتصاد منابع تجدیدشونده، تهران، انتشارات سمت، اول، ۱۳۸۱ش.
۲. استادی، رضا، اصول عقاید، قم، انتشارات دلیل، اول، ۱۳۷۹ش.
۳. بارو، کریستوفر جان، اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی، مهرداد اندرودی، تهران، کنگره، اول، ۱۳۸۰ش.
۴. بخش آموزش علمی و فنی و حرفه‌ای یونسکو، آموزش بین‌المللی محیط زیست (پیوست ب)، فیروزه برومند، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، ۱۳۷۰ش.
۵. بونفوه ادوار، آشتی انسان و طبیعت، صلاح‌الدین محلاتی، تهران، سمت، اول، ۱۳۷۵ش.
۶. پانایوتو، تئودور، ابزارهای تحول برای فراهم‌کردن موجبات توسعه پایدار، سیدامیر ایافت، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، بی‌تا.
۷. پرمن راجرز، یوما و مک گیل، ری جیمز، اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی،

حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲ش.

۸. ترنر آر.ک، پیرس دی و باتمن، ای، *اقتصاد محیط زیست*، سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، اول، ۱۳۷۴ش.

۹. تسخیری محمدعلی، *پنجاه درس در اقتصاد اسلامی*، تهران، انتشارات فرهنگ مشرق زمین، اول، ۱۳۸۲ش.

۱۰. تقوی، محمدناصر، *حکومت و مصلحت*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.

۱۱. تودارو، مایکل، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات بازتاب، اول، ۱۳۷۸ش.

۱۲. جمشیدی، محمدحسین، *نظریه عدالت از دیدگاه فارابی*، امام خمینی، شهید صدر، تهران، پژوهشکده امام خمینی و شهید صدر، اول، ۱۳۸۰ش.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، قم، اسراء، سوم، ۱۳۸۱ش.

۱۴. خالد فضلان، ام. و براین، جوان آ، *اسلام و محیط زیست*، اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۸ش.

۱۵. خلعتبری، فیروزه، *اقتصاد منابع طبیعی*، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.

۱۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت، دوم، ۱۳۷۴ش.

۱۷. ردکلیفت، مایکل، *توسعه پایدار*، حسین نیر، تهران، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول، ۱۳۶۳ش.

۱۸. رضایی، مجید، «مالیات‌های حکومتی، مشروعیت یا عدم مشروعیت؟»، نامه مفید، ش ۳۵، قم، دانشگاه مفید، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ش.

۱۹. رضی، ابوالحسن الشریف، *نهج البلاغه*، سیدجعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۶۸ش.

۲۰. صدر، سیدکاظم، «توسعه اقتصادی پایدار توسعه سازگار با بهره‌برداری از محیط زیست و حفظ آن»، قم، نامه مفید، ش ۱۷، ۱۳۷۸ش.

۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.

۲۲. طبری، امیر، *درباره عدالت*، تهران، نشر اختران، اول، ۱۳۸۳ش.

۲۳. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، تهران، نشر یلدا، اول، ۱۳۷۴ ش.
۲۵. ———، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷ ش، ج ۱.
۲۶. کولا، ارهان، اقتصاد منابع طبیعی، محیط زیست و سیاستگذاری‌ها، سیاوش دهقانیان، فرخ دین قزلی، مشهد، دانشگاه فردوسی، اول، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، نهم، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، انتشارات صدرا، یازدهم، ۱۳۷۳ ش.
۲۹. ———، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چهارم، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. معرفت، هادی، «عدالت مهدوی در قرآن»، مجله انتظار، ش ۱۳، ۱۳۸۳ ش.
۳۱. مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان، شاخص‌های توسعه پایدار، نشاط حداد تهرانی، ناصر
۳۲. محرم‌نژاد، تهران، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، ۱۳۸۱ ش.
۳۳. هات، جان اف، علم و دین، بتول نجفی، قم، کتاب طه، اول، ۱۳۸۲ ش.
۳۴. یوسفی، احمدعلی، فراهانی فرد، سعید و لشکری، علی‌رضا، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۷۸ ش.

### ب. عربی

۱. احسانی، ابن ابی‌جمهور، عوالی اللالی، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۲. اصفهانی، محمدحسین، حاشیه مکاسب، بی‌جا، نشر محقق، اولی، ۱۴۱۸ ق.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، قم، نشر الهادی، اولی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲.
۴. بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، اولی، ۱۳۷۷ ش، ج ۲.
۵. بحرالعلوم، سیدمحمد، بلغة الفقیه، تهران، مکتبه الصادق، الرابعه، ۱۴۰۳ ق.
۶. بوعلام، علی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۶ ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۱۰۴ ق.
۸. حلّی، جمال‌الدین حسن بن یوسف، تذکره، مکتبه الرضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، بی‌نا.
۹. خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌الخمنی،

۱۰. خمینی، سیدروح‌الله، *الرسائل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخمينی، ۱۳۷۸ش.
۱۱. صدر، سیدمحمدباقر، *اقتصادنا*، خراسان، مکتب الاعلام الاسلامی، الاولى، ۱۳۷۵ش.
۱۲. طباطبایي، سیدعلی، *رياض المسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌بیت لاحیاء التراث، بی تا.
۱۳. طوسی، شیخ محمد بن حسن، *الاستبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طوسی، شیخ محمد بن حسن، *نهايه*، بیروت، دارالاندلس، الثاني، ۱۴۱۷ق.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر صافی*، قم، الهادی، دوم، ۱۴۱۶ق، ج ۵.
۱۶. کلینی، یعقوب، *الكافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ق، ج ۱.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، مؤسسه الوفاء، الثاني، ۱۴۰۳ق.
۱۸. محدث نوری، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌بیت، الاولى، ۱۴۰۸ق، ج ۵.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، پنجم، ۱۳۷۹ش.
۲۰. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، قم، وجدانی، ۱۳۷۱ش.
۲۱. نائینی، محمدحسین، *منیة الطالب*، تهران، المکتبه المحمديه، الاولى، ۱۳۷۳ق، ج ۱.
۲۲. یاسین نجمان، *تطور الاوضاع الاقتصادية فی عصر الرساله*، بغداد، دارالشؤون الثقافیه العامه، ۱۹۹۱م.
۲۳. یونس المصری، رفیق، *بحوث فی الاقتصاد الاسلامی*، دمشق، دارالمکتبی، الاولى، ۱۴۲۱ق.

### ج. انگلیسی

1. Agyeman Julian, Bullard Robert D. and Evans Bob, "Just Sustainabilities Development in an Unequal World", Earthscan Publition Ltd, UK and USA, 2003.
2. Beltratti A., Chichilnisky, G. and Heal, G. M. (1993) "Sustainable growth and the Green Golden Rule, Working Paper, Columbia Business Schcool and Fondation .
3. Coase, R. "The problem of social cost". Jornal of Law and Economics 1960.
4. \_\_\_\_\_, "The, The Market and the Law. Univercity of Chicago Press, Chicago 1988.
4. Backx Mattijs, Charny Michael and Gedajlovic Eric "Public, Private and Mixed ownership and the performance of internation airlines" Jornal of" Air Transport

Management" V.8 (2002).

5. Barry John, Frankland E. Gene "International Encyclopedia of Environmental Politics", USA and Canada , Routledge, 2002.
6. Davis Derrin, Gratiside Donald F."Challenge for economic policy in sustainable management of marine natural resources" Jornal of "Econlogical Economics" 36 (2001).
7. Eatwell John, Milgate Murray, Newman Peter: Palgrave (A Dictionary Of Economics), The Stockton Press (1998), Volume 3.
8. Gerlagh Reyer, . Keyzer Michiel A "Sustainability and the intergenerational distribution of natural resource entitlements" Journal of Public Economics 79 (2001).
9. Kahf Monzer "Sustainable Development in the Muslem Countrys" September 2002.
10. Kissiling-Naf Ingirid, Volken Thomas and Bisang Kurt "Common property and natural resources in alps, the decay of management structur?" Jornalof "Forest policy and economics" 4 (2002).
11. Padilla Emilio ANALYSIS Intergenerational equity and sustainability. Ecological Economics 41 (2002).
12. Pasqual Joan, Souto Guadalupe ANALYSIS Sustainability in natural resource management Ecological Economics 00 (2003).
13. Taylor A.J.W. Justice as a basic human need New Ideas in Psychology 21

۱۲۲

اقتصاد و اسلا

سال پنجم / پاییز ۱۳۸۴

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی